

می‌توان با استفاده‌ی مناسب از رنگ‌ها و توجه به شیوه‌های آموزشی نوین، طراحی مهدکودک‌ها را به صورت قابل قبول به انجام رسانید. طراحی فضای داخلی مهدکودک که با توجه به ویژگی‌های ذهنی، رفتاری، و شناختی کودک و به کارگیری رنگ‌های مناسب برای کودک طراحی شده باشد، می‌تواند مکان مناسبی را برای رشد کودک فراهم کند. رنگ با قدرت تأثیرگذاری بر روحیات و ضمیر ناخودآگاه می‌تواند نقش مهمی در افزایش هوش، تمرکز و آرامش کودک داشته باشد. در این پژوهش^[۱] با استفاده از اصول روانشناسی رنگ‌ها و تأثیر آن بر کودکان با رویکرد تحقیق کیفی اقدام به بررسی منابع و اطلاعات علمی در این زمینه شد. سپس اطلاعات طبقه‌بندی و با نظر کارشناسان بخش‌های مرتبط و مناسب به صورت الزامات خاص طراحی تدوین گردید. در مرحله اجرای کار نیز پروژه‌ای به صورت باززنده‌سازی یک ساختمان به منظور بهبود شرایط و کیفیت فضای مهدکودک انتخاب شده و این الزامات به صورت عینی در آن پیاده‌سازی گردید. می‌توان با استفاده از نتایج تحقیق در مورد کاربرد رنگ‌های مختلف، اقدام به بهبود شرایط موجود مهدکودک‌ها به‌عنوان مراکز مؤثر بر رشد و یادگیری کودکان نمود.

مقدمه

طراحی فضا برای کودکان یکی از نکات مهم در فرآیند طراحی به شمار می‌آید. عوامل زیبایی‌شناسی در فضاهای خاص کودک باید باعث ترغیب وی گردد. محیط شاد و پرنرژی با توجه به گروه‌های

سنی و احجام قابل لمس یکی از جذابیت‌های فضا برای کودک به شمار می‌آید. از عوامل لذت‌بخش برای هر کودک تأمین وضوح و خوانایی در فضا است (Scott, s.2010). در طراحی فضاهای مهدکودک باید ملاحظات زیبایی‌شناسی و ساختاری در کنار خلق فضاهایی که کودک را قادر می‌سازد به توسعه‌ی توانایی‌های فکری، خلاقانه، جسمی و روحی خود اقدام نماید توجه نمود. حرکت، تعامل اجتماعی، پیشینه کردن دسترس به نور روز، تهویه‌ی مناسب و تحریک بصری کودک همگی از عواملی است که می‌توان با طراحی مناسب فضا به آن دست یافت. این امر به‌خصوص زمانی مهم می‌شود که محیط فیزیکی را یک فضای منفعل در نظر نگرفته بلکه آن را با قدرت‌های ویژه برای مهار کردن رفتارها و تحت تأثیر قرار دادن روابط و دوستی‌های کودک دانست. فضاها و مکان‌هایی که کودک در آن‌ها تجربه زندگی کردن دارد به آن‌ها در ایجاد خاطرات ابدی کمک می‌کند (کامل‌نیا، ۱۳۸۸). مهمترین نیازهای کودکان در فضاها را می‌توان به چند بخش مهم تقسیم نمود: ۱- نیاز به امنیت، اطمینان و برتری در فضا، ۲- نیاز به فعالیت‌های فیزیکی و ذهنی و محصور شدن در میان عوامل و محرک‌های مختلف محیطی، ۳- نیاز به رابطه‌ی عاطفی با فضای محصور شده و محلی برای خلوت و تنهایی در پاره‌ای از مواقع (مرتضوی، ۱۳۷۶). کیفیت محیط فیزیکی بر موفقیت کودک تأثیر فراوانی دارد و بهتر است در فضاهای خاص آنان به جای محیط‌های عملکردگرا به فضاهایی جذاب برای کودکان توجه نمود (لوش، ۱۳۸۹).

رنگ‌ها به‌عنوان زبان دیداری احساسات ما را بیان می‌کنند و ایده‌ها و تفکرات ما را بدون نیاز به گفتن یا نوشتن از طریق رازهای خاصی انتشار می‌دهند به همین لحاظ کاربرد زیادی دارند. وسعت کاربرد رنگ در محیط کار و زندگی باعث شده افراد نسبت به کاربرد رنگ و تأثیرات احتمالی یا قطعی آن بر فضای زندگی و روح و روان کودک همواره بررسی و تحقیق کنند. رنگ محیط و

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده با عنوان طراحی داخلی مهدکودک هفت رنگ با رویکرد روانشناسی رنگ به راهنمایی دکتر فرضیان است که در پردیس هنرهای زیبا به انجام رسیده است.

طراحی مهدکودک هفت رنگ با رویکرد روانشناسی رنگ

(مطالعه موردی: تبدیل کاربری فضای موجود آموزشی به مهدکودک)

ایمانه گلستانی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری داخلی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران



وسایلی که هر روز کودک با آن‌ها سر و کار دارد می‌تواند زیبایی را تشدید یا تضعیف کند و همچنین آرامش و تقویت روحی را به دنبال داشته باشد. در محیط‌های آموزشی نیز رنگ تأثیر روانی زیادی بر افراد دارد. نحوه‌ی رنگ‌آمیزی محیط آموزشی در تحقیقات زیادی بررسی شده است. استفاده از رنگ‌های مناسب در محیط آموزشی باعث کاهش غیبت‌های مکرر دانش‌آموزان، افزایش دلبستگی و دلگرمی آنان به محیط و کاهش خستگی چشم و بدن شده و ناخودآگاه در آنان شوق و علاقه بیشتری به وجود می‌آورد (رحمتی‌زاده، ۱۳۹۱).

بررسی ادبیات موضوع:

رنگ‌ها در شخصیت انسان‌ها، به خصوص کودکان تأثیر به‌سزایی داشته، باعث ایجاد تجربه‌های هیجانی از قبیل شادی، خنده، غم، اندوه، آرامش، تحریک‌پذیری، سکون و هیجان می‌شود. در کودکان این خصیصه شدت می‌یابد، آنان به سبب روح پاک و بی‌آلایش و شاد و پر طراوت خویش رنگ‌های زنده و مرکب که در ترکیبی مناسب با هم قرار گرفته باشند را ترجیح می‌دهند این موضوعی است که در طراحی و تزئین و رنگ‌آمیزی فضاهای داخلی و تسکینات مناسب رنگی فضاهای طبیعی باید مورد توجه قرار گیرد با رنگ‌های مختلف می‌توان اندازه و وزن یک شی معین را کوچک یا بزرگ، سبک یا سنگین جلوه داد. اصولاً رنگ‌های سرد و روشن باعث توسعه اشیاء شده به آن‌ها وسعت می‌دهند و بالعکس رنگ‌های گرم و تیره باعث می‌شوند اشیاء کوچکتر از اندازه خود به نظر آیند (Scott, s.2010). در باب کودکان و روانشناسی رنگ‌ها می‌توان سه دسته رنگ را تعریف نمود:

۱- اصلی که شامل سه رنگ قرمز، آبی و زرد می‌شوند.

۲- فرعی که از ترکیب سه رنگ اصلی به دست می‌آیند مثل سبز، نارنجی، بنفش.

۳- رنگ‌های میانه که از ترکیب رنگ اصلی به علاوه رنگ فرعی بدست می‌آید که شش عدد هستند زرد مایل به سبز و غیره، آبی مایل به سبز و... از رنگ به دو طریق استفاده می‌کنند.

هنرمند ماهر و با تجربه از رنگ برای بوجود آوردن پندار دوری و نزدیکی و بیان یک قدرت پویا و آرایش مبتکرانه سطح دو یا سه بعدی به نحوی دلپذیر و پدید آوردن واکنش‌های هیجانی نزد خود استفاده می‌کند. ارتباط درک ما از زیبایی با رنگ بسیار ساده و فوری است و اگر هم هیچ شناخت تئوریک نسبت به رنگ نداشته باشیم به‌طور غریزی در موقعیتی قرار داریم که رنگ به راحتی در ما نفوذ می‌کند، و عمق و گرما و تونالینه آن یعنی کیفیت عینی آن با بعضی از احساسات و تأملات ما آمیخته می‌گردد. اگر چه موندریان ثابت کرده است که لذتی که از تماشای رنگ بدست می‌آید، از طبیعت‌شناسی ناشی می‌شود ولی برای ما هرگز این اتفاق نمی‌افتد که در برابر یک تابلو نسبت به یک رنگ آن واکنش نشان دهیم (رحمتی‌زاده، ۱۳۹۱).

زیرا اغلب ما ارزش یک اثر را در هماهنگی بین رنگ‌های مختلف آن مورد قضاوت قرار می‌دهیم، نه در تک‌تک آنها. ادراک رنگ‌ها معمولاً پیرو قوانینی است که اغلب هنرمندان و گرافیست‌ها از آن استفاده می‌کنند.

هر کسی می‌تواند از رنگ به دو طریق استفاده نماید. یکی نمونه‌سازی طبیعی عینی مثلاً دریا به رنگ آبی و آفتاب به رنگ زرد و چمن به رنگ سبز و طریق دیگر استفاده از رنگ‌هایی است که به‌طور ناخودآگاه به ذهن متبادر می‌شوند و قانون و قاعده‌ی خاصی ندارند.

برخی رنگ‌ها با ظاهر شدن در جلو و عقب یک اثر هنری قدرت جلب توجه و دقت می‌یابند و اهداف دیگری را دنبال می‌کنند که حالا دیگر بر همه ثابت شده است و نگویم که در یکی از تابلوهایش بنام قهوه‌خانه غروب می‌نویسد: "سعی من بر این است که با رنگ‌های قرمز و سبز دردهای وحشتناک انسان را نشان دهم".

همچنین او درباره‌ی این اثر که خودش آن را یکی از مهمترین آثارش دانسته می‌گوید در این تابلو می‌خواستیم نشان دهم که قهوه‌خانه محلی برای جمع شدن، دیوانه شدن و حتی ارتکاب جنایت است. کودک پشتوانه‌ی فرهنگی هنرمندان را ندارد و با آنکه هنوز قوانین پرسکتیو و عمق میدان دید یا روی هم قراردادن رنگ‌های مختلف را نمی‌شناسد ولی دارای احساسات بالدرنگ و فوری جهت به‌کارگیری رنگ‌های مختلف است.

کودک اصولاً از اولین ماه‌های زندگی رنگ را می‌شناسد و این قوه‌ی ممیز را می‌توان در مجموعه عکس‌العمل جسمی و عاطفی حس کرد. به همین دلیل است که اساس رنگ‌ها و نیز طرز استفاده از آن‌ها توسط کودک، هرگز با نظر بزرگسالان که دارای تقسیم‌بندی عینی در مورد رنگ‌ها هستند مطابقت نمی‌کند.

کودکان کمتر از رنگ‌های غیر متعارف استفاده می‌کند و اغلب رنگ‌هایی واضح و شفاف به‌کار می‌گیرند و با وجود این همیشه هم نتیجه‌ی زیبایی‌عایدشان می‌شود.

بین نقش و زندگی عاطفی کودک با در نظر گرفتن دوران تکاملی او، یک حالت متوازی وجود دارد. در دوران کودکی در فاصله‌ی سنین سه تا شش سالگی کودک بیشتر تحت تأثیر فشارهای درونی است و علاقه‌ی وافری به رنگ دارد و آن را مقدم بر شکل می‌داند. ولی به تدریج هر قدر از وابستگی او به رنگ کم می‌شود علاقه‌ی او به تقدم بر شکل ظاهری افزون می‌یابد. در کودکان بیشتر کودکان ترجیح می‌دهند از رنگ‌های گرم و تند استفاده کنند و فقط کودکانی که در خانه و تحت نظارت شدید قرار دارند رنگ‌های سرد را انتخاب می‌کنند که در این مورد علت اصلی به مشکلات عاطفی و روانی کودک مربوط می‌شود. به باور واهنر^[۱] فقدان رنگ در تمام یا قسمتی از موضوع نقاشی کودک نشانگر خلأ عاطفی و یا گاهی دلیل برگرایش‌های ضد اجتماعی اوست.

تجربه‌های فراوان نشان داده‌اند که کودکان سازگار در نقاشی‌هایشان به‌طور متوسط از پنج رنگ مختلف استفاده می‌کنند، حال آنکه کودکان گوشه‌گیر و یا آن‌هایی که ارتباط با دنیای خارج را دوست ندارند از یک یا دو رنگ یا بیشتر استفاده نمی‌کنند.

به‌کارگیری رنگ فقط یکی از عوامل تکاملی و پیشرفت تکاملی و فکری کودک نیست بلکه به عوامل ژرف و عاطفی نیز مربوط است. بطور مثال کودکانی که بیشتر از رنگ‌های تیره در نقاشی‌های خود استفاده می‌کنند، معمولاً در خانه از آرامش کافی برخوردار نیستند.

همچنین کودک سالم که در مراحل رشد طبیعی به سر می‌برد، طبعاً گرایش به انتخاب رنگ‌های گرم دارد و او ناخودآگاه رنگ‌هایی نظیر قرمز که مملو از انرژی و جذابیت است را انتخاب می‌کند. این رنگ نشان از نوعی وابستگی، علاقه، تحرک و تمایل به زندگی دارد. رنگ آبی آخرین رنگ است که از نقاشی کودک حذف می‌شود چراکه این رنگ به‌عنوان رنگ‌های اتمسفری فضایی بیشترین حضور را در طبیعت دارند و به‌سادگی قابل محو شدن از ذهن کودک نیستند.

به هر حال رنگ‌ها توسط نیروی روانی انتخاب می‌شوند. به منظور تأکید بر اهمیت رنگ در مهدکودک‌ها، تحقیقاتی که در سه سال گذشته در این زمینه ارائه شده است را در جدول شماره‌ی یک به صورت خلاصه می‌توان مشاهده نمود.

فضاهای آموزشی به دلیل محدودیت‌های خاص، استعداد فراوانی برای خشک و بی‌روح شدن دارند اما باید تمام تلاش‌ها را به کار بست تا از وقوع این اتفاق جلوگیری نمود. اهمیت دادن به فضاهای آموزشی و رعایت اصول و استانداردهای مربوط به آن در طراحی این مراکز منجر به خلق محیطی متناسب با خواسته‌های روانی کودکان می‌گردد (حسین پوریان، ۱۳۹۰). عوامل متعددی مانند نور، تهویه، آلودگی‌های صوتی و مهم‌تر از همه عنصر رنگ در آموزش و علاقه‌مندی کودکان مؤثر می‌باشد. در جدول شماره‌ی دو می‌توانید تأثیر به‌کارگیری رنگ در محیط‌های آموزشی را مشاهده کنید.

به عقیده روانشناسان، رنگ اشیاء فضا و لباس افراد تأثیر مستقیمی در برقراری ارتباط شخص با آن‌ها دارد. از این‌رو، کودک تا زمانی که نتواند خود را با رنگ فضای کلاس، اشیاء درون آن، لباس مربی و مانند آن تطبیق دهند؛ نمی‌تواند از حضور در کلاس لذت ببرند و در فضای آن احساس آرامش کنند (مرتضوی، ۱۳۷۶). رنگ تأثیر فراوانی بر روحیه و رفتار کاربران فضاها دارد و حالات روانی و عاطفی آن‌ها را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد (لوشر، ۱۳۸۹). اگر رنگ زمینه ساز شادی و نشاط کودکان گردد می‌تواند باعث ایجاد حس تعلق به محیط نیز باشد (بیاض، ۱۳۷۱). طبق نتایج تحقیقات پیشین، تأثیرات فیزیولوژیک رنگ‌های نامناسب سبب گرفتگی عضلانی، تند شدن تنفس، افزایش ضربان قلب و فشار خون شده و فعالیت‌های مغزی را مختل می‌سازد. در صورتی که ترکیب رنگی نامتجانس به کار رود می‌تواند به کاهش واکنش و اختلال در انجام کار بینجامد (مرتضوی، ۱۳۷۶).

روش تحقیق:

نوع مطالعه در دسته‌ی مطالعات کیفی قرار دارد که با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی اقدام به بررسی و تعریف چارچوب‌های مناسب برای پژوهش شده و در مرحله‌ی دوم احکام و الزامات متناسب با نیازمندی‌های پروژه از آن‌ها استخراج می‌گردد. با تحلیل اطلاعات و استفاده از نظرات کارشناسان موارد مؤثر در طراحی تعیین شده و در نهایت با انتخاب یک سایت مناسب اقدام به طراحی خواهد شد.

فرآیند تحقیق از طریق طراحی است و همراه با ارائه و تحلیل طرح می‌باشد به این ترتیب روش تحقیق کتابخانه‌ای، طراحی و ارزیابی می‌باشد. تجزیه و تحلیل ساختمانی برای انجام طراحی و فرآیندهای مرتبط با انتخاب رنگ در آن که پس از تأیید مکان پژوهش متناسب با الزامات و احکام استخراج شده در بخش مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفت. در نهایت توصیه‌های متناسب با نیازهای تعریف شده بر اساس رنگ و تأثیرات آن در طراحی داخلی به انجام می‌رسد.

جدول شماره‌ی ۱: خلاصه تحقیقات انجام گرفته در سه سال اخیر در زمینه‌ی تأثیر رنگ در مهدکودک‌ها (نگارنده)

ردیف	نام محقق و سال اجرا	نتایج حاصل از تحقیق
۱	ثبوتی و همکاران، ۱۳۹۵	رنگ یکی از عوامل اساسی در محیط‌های آموزشی کودک بوده و باید با ویژگی‌های دوران کودکی و عملکرد محیط آموزشی هماهنگی داشته باشد.
۲	جلیلی و همکاران، ۱۳۹۵	مهدکودک فضایی برای جامعه‌پذیری، رشد، تعلیم و تربیت کودکان است. رنگ اولین هویتی است که کودک تشخیص می‌دهد. نقش رنگ‌ها در شخصیت انسان‌ها به خصوص کودکان باعث ایجاد تجربه‌های هیجانی از قبیل شادی، خنده، غم، اندوه و آرامش شده که تأثیر ویژه‌ی روانی بر وی دارند.
۳	خاکی و جعفری، ۱۳۹۴	رنگ‌ها یک اثر ویژه‌ی روانی بر بیننده داشته و این اثر بیش از هر چیز تابع عامل مکانی که رنگ به کار رفته است و فرهنگ و عوامل اجتماعی و روانی می‌باشد.
۴	ریاضی، ۱۳۹۴	ارائه راه‌حل‌های بصری در طراحی رنگ و فرم برای فضاهای مختلف مهدکودک با کارکردهای متفاوت، در جهت رشد بهتر ذهنی، جسمی و روحی کودکان.
۵	ضیابخش و بهرامی‌پور، ۱۳۹۳	تأثیرات روانشناسی رنگ بر سطح یادگیری، خلاقیت و بهسازی رفتارهای کودکان در مهدکودک قابل توجه است و می‌توان با استفاده از طراحی داخلی، ترسیم فضایی ایده‌آل برای کودک در زمان یادگیری به وجود آورد.



ردیف	رنگ	تأثیر و توصیه
۱	قرمز	در معماری کلاس‌های درس توصیه نمی‌شود چون افراد را آشفتگی و بدخلق می‌کند و به علت روح هیجانی رنگ، مانع تمرکز افراد است. بهتر است در محیط‌های ورزش از آن بهره گرفت.
۲	زرد	تداعی فعالیت‌های ذهنی را با آن می‌توان داشت و هوش و کنجکاوی افراد را تقویت می‌کند. بنابراین با نهاد سرعت به‌ویژه سرعت تفکر و تصمیم‌گیری در ارتباط است و تمرکز را بالا می‌برد.
۳	نارنجی	زنده و قوی است و بهتر است با رنگ‌هایی مانند گرمی و یا زرد مخلوط شود تا از بروز تنش در محیط اجتناب نماید. سبب می‌شود افراد سرزنده، گرم و آرامش طلب گردند و از خواب آلودگی و بی‌علاقگی آنان در ساعات اولیه صبح می‌کاهد.
۴	آبی	کیفیتی سرد و رسمی دارد و فضا را به آرامش می‌کشد. البته از حالت دوستانه و گرمابخشی دور می‌نماید پس بهتر است در محیط‌های آموزشی در ترکیب با رنگ‌های دیگر استفاده شود.
۵	ارغوانی مایل به آبی	رنگ کمال‌گرایی، انسان‌گرایی و تقویت تفکر فلسفی است. دانشجویانی که این رنگ را ترجیح می‌دهند افرادی پر احساس و خوش‌فکرند که حس ششم قوی دارند. این رنگ در تصمیم‌گیری با تفکر و منطق در ارتباط است.
۶	بنفش	از ترکیب قرمز و آبی است. سردی و گرمی خاصی در محیط ایجاد می‌کند که به دلیل این دو رنگ است. قرار گرفتن برای مدت طولانی در فضای با این رنگ سبب افسردگی می‌شود چون سبب خستگی ذهن شده و خالص آن توصیه نمی‌شود. بهتر است از آن در ترکیب با رنگ‌های سفید، سبز و یاسی استفاده کرد.
۷	سبز	از ترکیب دو رنگ متضاد زرد و آبی حاصل می‌شود. رنگ متعادلی است و به آرامش روحی و اعصاب کمک کرده و محیطی آرامش بخش ایجاد می‌کند. بین دانشجویان از همه رنگ‌ها خوشایندتر است چون چشم برای تمرکز روی آن نیازی به تنظیم ماهیچه‌های بینایی ندارد.
۸	خاکستری	خنثی است و نشانه‌ای از بی‌تفاوتی می‌باشد. غیر متعهد بودن، عدم مشارکت، سستی، تنبلی و افسردگی را به همراه دارد. تمایل دانشجویان به این رنگ نشانه بحران و خستگی‌های روحی و جسمی است که باید با رنگ‌های شاد آن‌ها را از این وضعیت خارج نمود.

طراحی انجام گرفته در سایت متناسب با الزامات و نیازهای مشخص شده:

کودکان توجه بیشتری به رنگ‌های اشباع شده اولیه دارند. چنین به نظر می‌رسد که عکس‌العمل‌های اولیه‌ی کودکان نسبت به رنگ‌ها در اثر خصوصیات عاطفی بروز می‌کند ولی با گذشت زمان، کودک یاد می‌گیرد که آن‌ها را مشاهده نماید و دقیقاً آن‌ها را درک کند. با این وجود باید اذعان کرد که در یک آزمایش روی نوزادان ۱۵ روزه، آن‌ها توانستند نورهای رنگی منعکس شده بر روی دیوار را از همدیگر تمیز دهند. رنگ قرمز اولین رنگی است که کودکان به‌طور صحیح از آن نام می‌برند و بعضی اوقات رنگ آبی را کودکان به‌عنوان رنگ ضد قرمز می‌دانند. در بعضی مواقع کودکان رنگ‌ها را با اشیایی که بدان رنگ‌ها هستند بخاطر می‌آورند و مثلاً می‌گویند: «زرد مانند زرده تخم‌مرغ». موضوع فوق نشان می‌دهد که کودک به‌کندی قادر خواهد بود که رنگ‌ها را از اشیاء انتزاع نموده و آن‌ها را به‌عنوان خصوصیات مستقلی به‌خاطر آورد.

باید با یکسری تمهیدات مناسب کاری کرد که بین کودک و نوجوان با دنیای رنگارنگ پیرامون او نوعی تعامل ایجاد شود و در سایه‌ی این دوستی و شیفتگی امر یادگیری به‌سهولت و با لذت انجام گیرد. اصلاً این یک امر پذیرفته شده است که والدین و اولیای مدارس وظیفه دارند که با استفاده درست و روانشناسی شده از رنگ‌های مختص گروه سنی کودک و نوجوان زمینه‌ی بسیار مناسبی فراهم سازند تا دانش‌آموزان با انبساط خاطر و نوعی آرامش درونی و بیرونی به مقوله یادگیری بپردازند. به‌عنوان مثال کلاسی که با رنگ گرم و شاد رنگ‌آمیزی شده به مراتب آموزش و

یادگیری در آن به‌سهولت و سرعت انجام می‌گیرد تا کلاسی که با رنگ تیره رنگ‌آمیزی شده و به نوعی کسالت و در خود فرو رفتن را پدیدار می‌سازد. بنابراین برای نیل به هدفی خوب و سازنده و استفاده بهینه از رنگ‌ها در امر آموزش کودکان و نوجوانان باید از طرق مختلف و در محل‌های خاص کودک و نوجوان از رنگ‌های متناسب با روحیات آن‌ها استفاده کرد.

به‌صورت خلاصه فرآیند اجرای پروژه را می‌توان در سه قسمت مشخص طبقه‌بندی نمود که شامل خلاقیت طراحی اولیه، تکامل طرح و ایده کار و شکل دادن به ایده‌های تعریف شده. نوآوری به معنای ارتباطی کاملاً جدید میان فرم و عملکرد است که به موجب آن کاربر بتواند توانایی استفاده از کارکردهای ساختار جدید را به دست آورد، کارکردهایی که پیش از این وجود نداشته‌اند. بخش تکامل توصیف پیشرفت‌های به دست آمده در نتیجه تکمیل فرآیند طراحی است که می‌تواند یک فرم تازه و بدیل را به وجود آورد و در نهایت شکل‌گیری (شکل دهی) ارائه تصویری و اجرایی از کارهایی است که در مراحل قبل با رویکردی منطقی و تحلیلی به همه‌ی جنبه‌های آن پرداخته شده است. یک طراح فضای داخلی کودک بیشتر به دو قسمت اول طراحی یعنی خلاقیت و تکامل طرح اولیه خود باید بپردازد چون این دو بخش سنگ بنای کار نهایی به شمار می‌آید و برای کاربران الزامات و شرایط خاص و بحرانی را ایجاد خواهد نمود. پس از شکل‌گیری ایده‌ی اولیه‌ی طرح برای یک مهدکودک، همکاری میان اعضای پروژه صورت گرفت. این فرآیندها منجر به طراحی بهینه می‌گردد. یک ایراد اولیه در طراحی می‌تواند منجر به تخریب کل طرح گردد.



تصویر شماره ۱: وضعیت فعلی ساختمان برای اجرای تغییر کاربریها (نگارنده)

استفاده از مبلمان به عنوان پرکننده فضاهای کودکان اهمیت زیادی دارد. صندلی با اندازه‌ی مطلوب برای نشستن، میز برای انجام کارهای دستی و یک فضا برای قرار دادن وسایل و اسباب‌بازی‌ها در هر نوع مهدکودک با شیوه‌ی آموزش متفاوت مورد نیاز است. اغلب در مهدکودک‌ها این سه بخش اساسی متناسب با نیازمندی‌های کودک طراحی نمی‌شود و باعث بروز مشکلات زیادی برای کودکان، مربیان و والدین می‌گردد. مبلمان انعطاف‌پذیر راهکاری مؤثر در استفاده بهینه از فضاهای کودکان به شمار می‌آید که تجربه‌های موفق در مرکز آرکی^[۳] و مهدکودک هامسمارینپیتو^[۴] به همراه داشته است (Scott, 2010).

در تصویر شماره‌ی یک وضعیت موجود ساختمان به منظور اجرای پروژه و تعریف رنگ‌ها و طراحی داخلی در آن قابل مشاهده است در این تصویر می‌توانید کاربری‌های فعلی مجموعه به عنوان موسسه آموزشی را مشاهده نمایید. در تصویر شماره‌ی دو نیز می‌توان کاربری‌های آتی را به صورت کلی در یک نما ملاحظه نمود که بسته به الزامات مشخص شده در پروژه قابل تعریف شده است. تصویر شماره‌ی سه نیز کاربری‌های مشخص شده در پلان را پس از تغییر کاربری ساختمان نشان می‌دهد.

برای طراحی فضای بازی، سرگرمی و نقاشی استفاده از سه رنگ اصلی چاپ (زرد، ارغوانی و فیروزه‌ای) به صورت ملایم به منظور استفاده از کمال رنگ مناسب می‌باشد برای این مورد طراحی به صورت تصویر شماره‌ی چهار و پنج انجام گرفت. تصاویر شماره شش و هفت نیز به ترتیب پلان و نمای سه بعدی از حیاط مجموعه را با استفاده از رنگ‌های رنگین کمان به صورت مشخص نشان میدهد که فضای بازی را در بدو ورود انرژی بخش و جذاب نمایند.

تصویر شماره هشت و نه، طراحی کتابخانه و اتاق قصه گویی را نشان میدهد که در این فضا از رنگهای ملایم برای کمک به آرامش و ایجاد سکوت در فضا بهره گرفته شده است، همچنین در این فضا نردبانی برای دسترسی کودکان به کتابها بدون کمک دیگران طراحی شده است.

تصویر شماره‌ی ده طراحی اتاق بازی را نشان می‌دهد که در این فضا با توجه به دور بودن کودکان دنیای مدرن از طبیعت، از عناصر طبیعت و رنگ‌های گرم و شاد برای ایجاد هیجان در فضا بهره گرفته شده است.

برای طراحی استخر مناسب کودکان ابعاد و استانداردهای کودکان مورد توجه قرار گرفته است، همچنین در این فضا از رنگهای ملایم آبی و سفید متناسب با رنگ آب و القاکننده تمیزی آب استفاده شده است. تصویر شماره‌ی یازده طراحی استخر و پالت رنگی استفاده شده را نشان می‌دهد. تصویر شماره‌ی دوازده نیز طراحی اتاق شن بازی را با استفاده از رنگ‌های تداعی‌کننده آسمان و زمین به نمایش می‌گذارد.

3- Arkki Centre

4- Hamsmarinpusitto



تصویر شماره ۲: وضعیت پیشنهادی ساختمانی بعد از تغییر کاربریها (نگارنده)

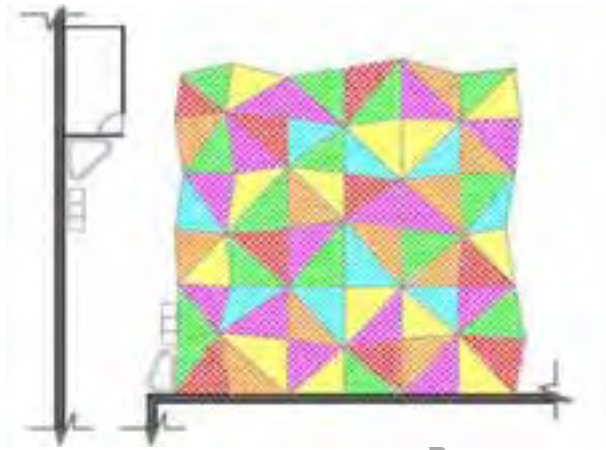
نتیجه‌گیری

استفاده از آموخته‌های مختلف این پروژه نشان می‌دهد که کودکان یعنی کاربران اصلی این بنا سلیق و الزاماتی مختلف و متناسب با سن و شرایط روحی خود دارند. به منظور درک بهتر این موقعیت‌ها می‌توان برخی از موارد را به صورت زیر ارائه نمود:

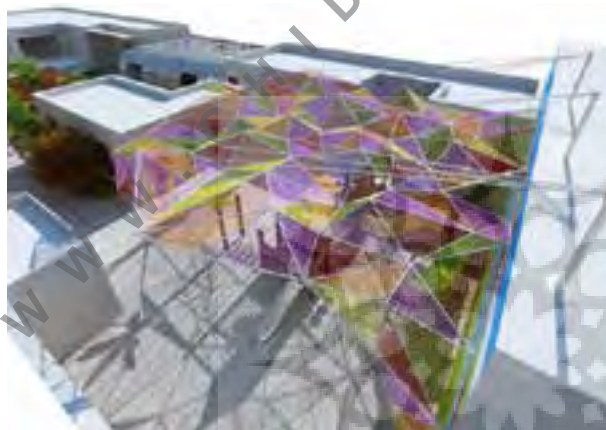
- اغلب کودکان در سنین زیر دبستان یعنی فاصله‌ی سنین ۳ تا ۶ سالگی به رنگ‌ها علاقه‌ی شدیدی نشان می‌دهند.

- بچه‌ها در سنین ۴ سالگی گرایش به هارمونی رنگ‌ها پیدا می‌کنند، هر چند که این مسئله آنچنان که باید و شاید تبدیل به





تصویر شماره ۶: پلان حیاط با استفاده از رنگهای شاد برای سایه انداز



تصویر شماره ۷: نمایی سه بعدی از حیاط پس از اجرای تغییر کاربری با استفاده از رنگهای رنگین کمان در پوشش متخلخل



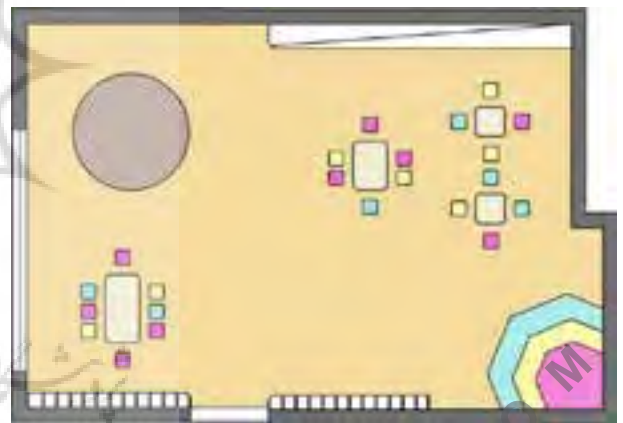
تصویر شماره ۸: پلان کتابخانه و اتاق قصه گوئی (نگارنده)



تصویر شماره ۹: سه بعدی از کتابخانه و اتاق قصه گوئی (نگارنده)



تصویر شماره ۳: وضعیت فضاها پس از اجرای تغییر کاربری با استفاده از اصول مشخص شده در طراحی (نگارنده)



تصویر شماره ۴: طراحی فضای بازی، سرگرمی و نقاشی (نگارنده)



تصویر شماره ۵: سه بعدی از فضای بازی، سرگرمی و نقاشی گروه سنی ۳ تا ۵ سال

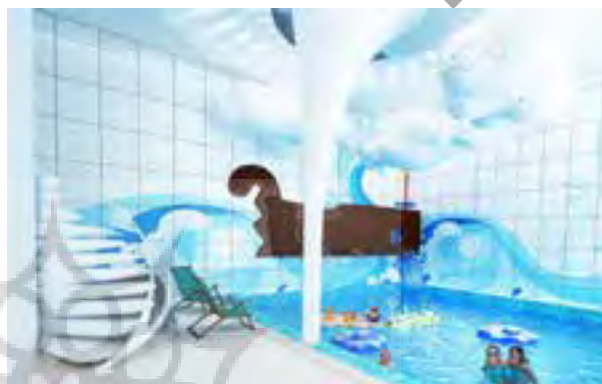
و لذت بخش بازی کودکان است و آن‌ها می‌توانند ساعت‌ها از آن بالا و پایین بروند، روی آن بنشینند و یا سر بخورند با اینکه تمام مدت در حال حرکتند اما همیشه به دنبال تعادل نیز هستند. حرکت عامل مهمی در شکل‌گیری هوش است که از تجربیات محیط خارج تأثیر می‌پذیرد به همین دلیل فراهم کردن موقعیت‌هایی برای انجام این تمرینات برای کودک ضروری است.

کودکان بعضی از خصوصیات اشیاء از قبیل زاویه و گوشه‌ی اشیاء گوشه‌دار و اشیایی که دارای سوراخ هستند را زودتر از اشیاء صاف و بدون سوراخ درک میکنند. همچنین آنان توجه بیشتری به رنگ‌های اشباع شده اولیه دارند. در بعضی از مواقع کودکان رنگ‌ها را با اشیایی که بدان رنگ‌ها هستند به یاد می‌آورند.

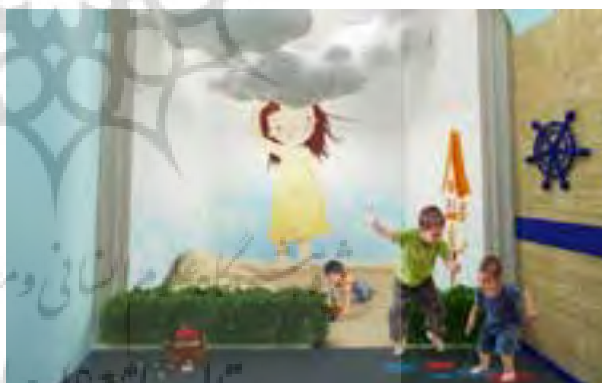
اگر فضای بازی متنوع و پر از علامت و نشانه باشد تعیین قلمرو برای کودک آسانتر است. کودک سالم و سر حال با همه احساس و هوش خود به شناخت و درک فضای اطرافش می‌پردازد ولی کودک که دچار اختلافات رفتاری می‌باشد در ارتباط برقرار کردن با فضای اطرافش نیز دچار مشکل می‌شود چنین کودکی نیاز به امنیت و گرمای بصری دارد. برای برآوردن این نیازهای او، باید اندازه‌های فضاها و باز شوها را محدود کرد. ■



تصویر شماره ۱۰: سه بعدی از اتاق بازی (نگارنده)



تصویر شماره ۱۱: سه بعدی از استخر کودکان (نگارنده)



تصویر شماره ۱۲: سه بعدی از اتاق شن بازی (نگارنده)

یک عنصر هنری قوی در شخصیت آن‌ها تا سنین ۸ تا ۱۲ سالگی نخواهد شد.

کودک برای رشد قبل از هر چیز به ارضاء عاطفی و احساس پیوندها با محیط فیزیکی و اجتماعی خود نیازمند است بنابراین یک مشخصه محیط مناسب، وجود محرک‌ها و انگیزه‌های لازم و منطبق با هر مرحله‌ی رشد کودک است و مشخصه‌ی دیگر آن، انطباق داشتن محیط با توانایی شناختی و ادراکی کودکان است. وضوح و خوانایی محیط برای کودک در حفظ پیوند او با محیط و ایجاد حس امنیت روانی برای او بسیار مؤثر است.

فضاهایی با رنگ‌های شاد و روشن و گاهی رنگ‌هایی با فرم‌های نامشخص، موضوعات رویایی و خیال‌انگیز را القا می‌کند و در کودک احساساتی چون عاطفه، رفاقت، مهربانی، رویایی بودن و پرواز دهنده بودن را القا می‌کند. پلکان در هوای آزاد محل مطلوب

منابع

1- Scott, s. (2010) Architecture for children, ACER press, Australian Council for Educational Research Ltd, Australia.

۲- کامل نیا، ح. (۱۳۸۸) دستور زبان طراحی محیط‌های یادگیری، چاپ دوم، انتشارات نور، تهران.

۳- مرتضوی، ش. (۱۳۷۶) فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط، سازمان نوسازی مدارس کشور، تهران.

۴- لوشر، م. (۱۳۸۹) روانشناسی رنگها، ترجمه ویدا ابی زاده، نشر درسا، تهران.

۵- رحمتی زاده، ع. (۱۳۹۱) موزه‌ی کودک گیلان بارویکرد روانشناسی کودک، رساله‌ی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

۶- ثبوتی

۷- جلیلی، ت.، جهانپانی پور، پ.، جهان‌نژاد، ع.، بهشتی اصل، ی. (۱۳۹۵) بررسی نقش رنگ برکالبد مهدکودک و تأثیر آن از بعد روانشناسی محیط، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط زیست در هزاره سوم، رشت، شرکت پیشگامان پژوهش‌های نوین.

۸- خاکی، ع.، جعفری، ا. (۱۳۹۴) حس زیبایی‌شناسی ترکیب رنگی در فضاهای مهدکودک با تأثیرپذیری از نقش علوم رفتاری، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز، دبیرخانه دائمی کنفرانس.

۹- ریاضی، س. (۱۳۹۲) بررسی تأثیرات رنگ و فرم در گرافیک محیطی مهدکودک، اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی ایران، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی شیراز.

۱۰- ضیابخش، ن.، بهرامی پور، ا. (۱۳۹۳) بررسی تأثیر رنگ بدنه کلاس بر رفتار و سطح هوش خلاقیت و یادگیری کودکان در مهدکودک، دومین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری، همدان، دبیرخانه دائمی همایش، دانشکده شهید مفتح.

۱۱- حسین پوریان، س. (۱۳۹۰) نقش کودک در شکل‌گیری فضاهای محیطی، مجله‌ی معماری و فرهنگ، شماره‌ی ۴۶، تهران.

12-Schultz, A. (2011), "Color Psychology: The Psychological and Physiological Effects of Color", Antelope Valley College.

۱۳- مرتضوی، ش. (۱۳۷۶) فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط، سازمان نوسازی مدارس کشور، تهران.

۱۴- پیازه، ژ.، اینهلدر، ب. (۱۳۷۱) روانشناسی کودک، ترجمه زینب توفیق، نشر نی، تهران.

